

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید



پروین چهره ی درخشان ادب فارسی

پروین اعتصامی، شاعره نامدار معاصر ایران، از گویندگان قدر اول زبان فارسی است که با همه زن بودن، با تواناترین گویندگان مرد ایران، برابری کرده و گواهی سخن شناسان معاصر، گوی سبقت را از آنان در ربوده و اعجاب و شگفتی ادیبان روزگار را برانگیخت.

رمز توفیق این زن ارزشمند فرهنگ و ادب فارسی، علاوه بر استعداد ذاتی، معجزه تربیت و توجه پدر نامدار اوست که علی رغم محرومیت زن ایرانی از امکانات تحصیل و فقدان مدارس دخترانه خود به تربیت او همت گماشت و دختر با استعداد و با سرمایه معنی خود را به مقامی که در خور او بود رسانید پدر پروین میرزا یوسف اعتصامی پسر میرزا ابراهیم خان مستوفی ملقب به اعتصام الملک از اهالی آشتیان بود که در جوانی به سمت استیفای آذربایجان به تبریز رفت و تا پایان عمر در همان شهر زیست او در سال ۱۲۹۱ هـ ق در تبریز به دنیا آمد ادب عرب و فقه و اصول و منطق کلام و حکمت قدیم و زبان های ترکی و فرانسه را در تبریز آموخت و در لغت عرب احاطه کامل یافت و بیست ساله بود که کتاب «قلائد الادب فی شرح اطواق الذهب» را که رساله ای بود در شرح یکصد مقام از مقامات محمود زمخشری در فصایح و حکم و مواعظ و مکارم اخلاق به زبان عربی نوشت که به زودی جزء کتابهای درسی مصریان قرار گرفت چندی بعد کتاب «ثوره الهند» را نوشت. کتاب «تربیت نسوان»

در سال ۱۳۱۸ منتشر شد که در آن روزگار تعصب عام و بی خبری عموم از اهمیت پرورش بانوان، در جامعه ی ایرانی رخ می نمود.

اعتصام الملک از پیشقدمان راستین تجدد ادبی در ایران و به حق از پیشوایان تحول نثر فارسی است زیرا او با ترجمه شاهکارهای نویسندگان بزرگ در پرورش استعداد های جوانان، نقشی به سزا داشت. او علاوه بر ترجمه ی ۱۷ جلد کتاب مجموعه ای ادبی به نام « بهار » منتشر کرد که طی انتشار ۲۴ شماره از آن توانست مطالب مفیدی در زمینه های گوناگون ارائه دهد.

پروین اعتصامی در روز ۲۵ اسفند سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد و از ابتدا زیر نظر پدر دانشمند خود که اعتقاد و آگاهی به لزوم تربیت دختران داشت به رشد پرداخت.

در کودکی با پدر به تهران آمد. ادبیات فارسی و عربی را نزد او فرا گرفت و از محضر ارباب فضل و دانش که در خانه پدرش گرد می آمدند بهره ها یافت و همواره آنان را از قریحه سرشار و استعداد خارق العاده خویش دچار حیرت می ساخت در هشت سالگی به شعر گفتن پرداخت مخصوصاً با به نظم کشیدن قطعات زیبا و لطیف که پدرش از کتب خارجی ترجمه می کرد طبع آزمایی می نمود.

پرتو نبوغ در همان سنین کودکی از حرکات و رفتار و واکنش های احساس این بانوی بزرگ می درخشید زیرا صرف نظر از این که وی در تمام دوره تحصیل از هر حیث بر

سایرین پیشی داشت همواره در عالم خویش سیر می کرد کمتر سخن می گفت و بیشتر فکر می کرد و بالاخره این تفکر به کمک نبوغ ذاتی او هر لحظه وی را به کمال مطلوب معرفت نزدیک می کرد.

احساسات لطیف، قدرت تخیل فراوان، دل حساس، رقت خیال و طبع شاعرانه از اوان کودکی وجود پروین را پر کرده بود و تا آخر عمر او را آرام نگذاشت. همین ویژگی ها و قریحه ش سرشار وی و استعداد عجیب وی مایه اعجاب و تحیر اهل فضل می شد.

پروین به خاطر خصال نیکو، دل پاک و شعر خاطره انگیز خود نزد همه عزیز بود، پدرش او را خیلی دوست می داشت و به همین دلیل در تمام مسافرت هایی که در داخل و خارج از ایران انجام می داد همواره پروین را به همراه خود می برد در تمام این احوال پروین لحظه ای از تفکر و مطالعه و سخن پردازی باز نمی نشست وی تا آن موقع صاحب اشعار بسیاری بود که تمام اهل ذوق و ادب برای دست یافتن به آنها سر و دست می شکستند ولی پدر با تجربه پروین، از بیم اینکه کوتاه فکران، طبع و نشر دیوان پروین را حمل بر تبلیغی برای ازدواج وی نکنند، با وجود اصرار و تأکید مکرر آن دوستاران سخن پروین اشعار او را چاپ نکرد و بعدها تجربه نشان داد که این مرد بصیر تا چه اندازه به طرز فکر مردم تنگ چشم آگاه بود.

در تیرماه سال ۱۳۰۳ شمسی دورهٔ مدرسهٔ دخترانهٔ آمریکایی را که به سرپرستی خانم میس شولر در ایران اداره می شد با موفقیت به پایان برد و در جشن فارغ التحصیلی خطاب به ای با عنوان « زن و تاریخ » ایراد کرد. او در این خطابه از ظلم مردم به شریک زندگی خویش که سهم غم و شادی اوست سخن گفت و نیز از روزگار تاریک زنان مشرق که آکنده از رنج و مشقت و سرشار از اسارت و ذلت بود یاد کرد و سپس بیداری ملل آسیایی را از خواب حرمان و یأس مایه امید شمرده، تربیت و تعلیم حقیقی زن و مرد را داروی بیماری مزمن شرق دانست و اظهار امیدواری کرد که ایرانیان با دور کردن ضعف و ملامت از خود بتوانند تند و چالاک از پرتگاه ها عبور نمایند و با تربیت زنان اصلاحات مهم اجتماعی انجام دهند.

خانم میس شولر، رئیس مدرسه آمریکایی دختران خاطرات خود را از تحصیل و تدریس پروین در آن مدرسه چنین بیان می کند:

پروین، اگر چه در همان اوان ورود به مدرسه معلومات فراوانی داشت، اما تواضع ذاتیش به حدی بود که به فراگرفتن هر مطلب و موضوع تازه ای که در دسترس خود می یافت شوق وافر نشان می داد. پروین اصولاً به همهٔ امور عالم اظهار علاقه می کرد و سعی داشت بر همه چیز واقف گردد. از صفات برجسته این دختر هنرمند صداقت و صراحت او بود. هرگز به کسی بیش از آن چه واقعاً او را دوست می داشت دعوی

دوستی نمی نمود و هیچگاه خویش را صاحب افکار و عقایدی که نداشت قلمداد نمی کرد.

یکی از دوستان پروین که بیش از دوازده سال با هم مراوده و مکاتبه داشتند او را پاک طینت، پاک عقیده، پاک دامن، خوش اخلاق و رفتار، در مقام دوستی متواضع و در طریق حقیقت و محبت پایدار توصیف می کند.

پروین در تمام سفرهایی که پدرش در داخل و خارج ایران می نمود شرکت می کرد و با سیر و سیاحت به گسترش دید و اطلاعات و کسب تجارب تازه می پرداخت.

این شاعر آزاده، پیشنهاد ورود به دربار را با بلند نظری پذیرفت و مدال وزارت معارف ایران را رد کرد.

پروین در تیرماه سال ۱۳۱۳ با پسر عموی خود ازدواج کرد و چهارماه پس از عقد به کرمانشاه به خانه ی شوهر رفت. شوهر پروین از افسران شهربانی و هنگام وصلت با او رئیس شهربانی در کرمانشاه بود. اخلاق نظامی او با روح لطیف و آزاده پروین مغایرت داشت او که در خانه ای سرشار از مظاهر معنوی و ادبی و به دور از هر گونه آلودگی پرورش یافته بود پس از ازدواج ناگهان به خانه ای وارد شد که یک دم از عیش و نوش خالی نبود و طبیعی است که همگامی این دو طبع مخالف نمی توانست دیری بپاید و سرانجام این ازدواج ناهمگون به جدایی کشید و پروین پس از دو ماه و نیم اقامت در خانه ی شوهر با گذاشتن از مهریه ی خود از او جدا شد. پروین پس از

جدایی، برای مدتی کوتاه، سیمای متین و موثر خود را با غباری از گرفتگی پوشاند. اما این تغییر حال را فقط اطرافیان پروین که همواره با او بودند می توانستند درک کنند. با این همه، او تلخی شکست را با خونسردی و متانت شگفت آوری تحمل کرد و تا پایان عمر از آن سختی بر زبان نیاورد و شکایتی نکرد.

پروین پدر خود را در سال ۱۳۱۶ از دست داد و این ضایعه ای بزرگ برای جامعهٔ ادب محسوب می شد ولی برای پروین ذوق و استعداد خود را مرهون این پدر دانشمند می دانست این ضایعه بزرگترین ضربت روحی محسوب می شد. ولی بالاخره بعد از ۴ سال تحمل ناراحتی در هجران پدر در روز سوم فروردین ۱۳۲۰ پروین بدون هیچ گونه سابقه ی کسالت و بیماری در بستر بیماری افتاد. پزشک معالج او بیماری او را حصبه تشخیص داد و اعلام کرد که درمان وی در حوزهٔ تخصص وی است و در تمام طول بیماری او بر اثر مداوای غلط، سهل انگاری و اطمینان متوالی و مؤکد خود مبنی بر موفقیت حتمی در درمان بیمار، کسان پروین را حتی در آخرین روز بیماری امیدوار و غافل نگاه داشت و بالاخره فرصت مداوای صحیح او از دست رفت.

شبى که هر لحظه حال پروین بدتر مى شد طبیب او را خبر کردند ولی او با اینکه به وخامت حال پروین آگاه بود علی رغم مراجعات پی در پی کسان بیمار بر بالین او حاضر نشد بالاخره « دکتر ارسطو علاج » بدون هیچ گونه سابقه آشنایی فوراً بر بالین بیمار حاضر یافت و تا آخرین لحظه در نجات وی کوشید ولی افسوس که به قول

پروین « فرصت گذشته بود و مداوا اثر نداشت». بالاخره در شانزدهم فروردین سال

۱۳۲۰ زندگی را بدرود گفت و در مقبره خانوادگی خویش واقع در صحن جدید، در

حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خام سپرده شد.

مرگ نابهنگام پروین همه شیفتگان ادب را به غم فرو برد و به این مناسبت در سراسر

ایران مجالس یادبودی برگزار شد.

شعر پروین:

با مطالعه دقیق اشعار پروین می توان دقت و روانی معانی، لطف کلام و مضامین بکر و

دقایق هنر این نابغه ی عالم نسوان را درک کرد. بطور کلی دیوان او شامل شش هزار

بیت است که از قصاید، مثنویات و تمثیلات و مقطعات مختلف تشکیل شده است.

اشعار او از نظر روانی و انسجام، زیبایی و دلنشینی، بکارت مضمون در حد کمال است

و همچنین عقاید بلند و نتایج عالی مورد نظر سراینده و قدرت تخیل او را نیز در بر

دارد.

یکی از خواص غیرقابل انکار شعر پروین این است که مضامین و ابتکاری خود را با

روشی خاص بیان می کند و بالاخره با یک نتیجه عالی یا یک حقیقت فلسفی و معنوی

که در هر مورد می تواند چراغ راه زندگی بشر واقع شود، آن را پایان می دهد.

مرحوم ملک الشعراء بهار درباره پروین چنین می گوید:

- خواننده در قصاید او خود را یک باره در عواملی رنگارنگ که به صورت یک عالم

مستقل در آمده باشد می بیند.

- حکیمی عارف، عارفی حکیم و نا صحنی پاک سرشت جای به جای خود نمایی می کند.

- پروین در قطعات خود مهر مادری و لطافت روح خویش را از زبان طیور، از زبان

مادر فقیر و از زبان بیچارگان بیان می کند. گاه مادی دلسوز و غمگین است و گاه در

اسرار زندگی با ملای روم و عطار و جامی سر عقد می دارد.

- هنر آنجاست که از زبان همه چیز سخن می گوید، صیاد و مرغ، شبنم، ابر و باران،

کوه و گاه و ... و عاقبت خواننده را در هزاران اطوال درونی و بیرونی سیر می دهد و

تسلیت می بخشد و ما را در زیر غره ای می نشاند و با این اسباب ها به صد رنگ

آمیزی و افسونگری اندوهگین می کند و متفکر می سازد و به ندرت می خنداند دائماً

در فکر است، وقتی از این اندیشه ها خسته می شود به فکر لطف خداوند می افتد.

- اساس دیوان او عشق است عشقی که چاشنی هر شعری است اما عشق واقعی نه

عشق لفظی. عشقی که شعرای بزرگ به آن سر نیاز فرود آورده اند، عشقی که به

حقایق و معنویات و معقولات وابسته است، عشقی که بنیان آفرینش انسان بر آن نهاده

شده است و همین عشق اساس دیوان او را تشکیل می دهد.